



بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران

دکتر امیر غفوریان شاگردی^۱

استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

سید محمد وزیری

کارشناس ارشد حسابرسی، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)

محمد سجاد غفوریان شاگردی

کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی گرایش مدیریت استراتژیک، گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری، دانشگاه

بین‌المللی امام رضا (ع)

(تاریخ دریافت: ۸ آذر ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱)

هدف: پژوهش حاضر به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. روش: این پژوهش، یک تحقیق تجربی در حوزه تحقیق‌های اثباتی حسابداری است که مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این پژوهش از نظر رابطه بین متغیرها علی، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی همبستگی می‌باشد که در آن برای تأیید یا رد فرضیات از اطلاعات تاریخی شرکت‌ها و روش‌های آماری استفاده می‌شود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران که پس از نمونه‌گیری، بالغ بر ۱۲۰ شرکت و در یک دوره زمانی ۹ ساله از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۹ است، می‌باشد. روش آزمون فرضیات در مطالعه حاضر استفاده از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته و با بهره‌گیری از نرم‌افزار ایوبوز بوده است. یافته‌ها: نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی وجود ندارد. همچنین متغیر تعدیل‌گر مالکیت نهادی بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی تأثیر گذار نمی‌باشد. نتیجه‌گیری: سرمایه‌گذاران می‌بایست به سایر عواملی که بر ضعف مدیریتی تأثیر گذار می‌باشند توجه نمایند که از جمله این عوامل می‌توان به اهرم شرکت اشاره نمود.

واژه‌های کلیدی: اندازه مؤسسه حسابرسی، ضعف مدیریتی، مالکیت نهادی، بورس اوراق بهادار تهران.

¹ ghafourian@imamreza.ac.ir

© (نویسنده مسئول)

مقدمه

ویلیامسون (۱۹۶۴)، ضعف های مدیریتی را به عنوان هزینه های اضافی جبران خسارت و یا حق ویژه توسط مدیرانی می داند که شرکت های آنان از مسیرشان به سمت به حداکثر رساندن سود منحرف شده اند [۳۹]. ضعف مدیریتی ممکن است ناشی از برخی اقدامات شرکت های تضعیف شده مانند: اضافه کردن کارکنان غیر ضروری به سازمان، مصارف غیر ضروری، یا مشارکت در بهره برداری غیرمستقیم از منابع سازمانی باشد [۳۰]. ضعف مدیریتی، بازتابی از مشکلات سازمان است که مدیران از عدم تقارن اطلاعات بین خود و سهامداران شرکت استفاده می کنند تا منابع سازمان را به نفع خود منحرف کنند [۲۶ و ۲۷]. ادبیات پیشین حسابداری از زاویه بودجه بندی سرمایه ای مورد بررسی قرار گرفته است تا کشف کند که چگونه بودجه مشارکتی و طرح های مشوق می تواند به کنترل میزان فقدان بودجه در سازمان ها کمک کند [۱۲ و ۲۰ و ۲۵].

نقش حسابرسی در عملکرد مناسب مربوط به حوزه بدهی ها و بازارهای سهام از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران داخلی و سهامداران شرکت به طور گسترده ای به رسمیت شناخته شده است [۳۸]. حسابرسی، ارزش سازمان را با ارائه اطمینان مستقل از اعتبار تهیه کنندگان اطلاعات حسابداری بهبود می بخشد، که منجر به تسهیل منابع و کارآیی قراردادهای می شود [۲۲]. ادبیات حسابرسی متمرکز بر بررسی اثر حسابرسان بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها می باشد که توسط این شاخص ها به عنوان تعهدات اختیاری، بازآمدهای مالی، تقلب حسابداری و پیش بینی درآمد اندازه گیری شده است [۲۸]. در سالهای اخیر، محققان شروع به بررسی تأثیر حسابرسان بر نتایج عملیاتی و سرمایه گذاری شرکت های صاحبکار خود از طریق عملکرد سنتی برای بهبود کیفیت بیانیه های مالی کرده اند. در همین ارتباط شواهدی وجود دارد که کیفیت حسابرسی ممکن است تحت تأثیر تصمیمات تامین مالی، کارایی سرمایه گذاری و کیفیت ترکیب و ادغام شرکتها قرار گیرد [۱۸ و ۱۳ و ۳۵ و ۳۳ و ۲۳]. از طرف دیگر، حسابرسی مالی عملکرد گذشته سازمان را بررسی و بر مبنای شکل و قالب خاص و با توجه به قوانین و استانداردهای از قبل تعیین شده انجام می گیرد. هدف اصلی در این نوع از حسابرسی، اظهارنظر در مورد صورت های مالی سازمان است. در نتیجه ماهیت و روش کار، بر مبنای اطلاعات تاریخی می باشد. هدف این بررسی ها، بررسی تطبیق صورت های مالی با استانداردهای حسابداری می باشد. سوالات اصلی در این نوع از حسابرسی این است که آیا صورتهای مالی، وضعیت مالی و نتایج عملیات (در یک دوره زمانی خاص) سازمان را به درستی نشان می دهند؟ آیا این نتایج به درستی منعکس شده است؟ همچنین این نوع از حسابرسی، باید توسط افرادی مستقل از سازمان انجام و انتخاب آنها به عهده هیات مدیره واحد مورد رسیدگی باشد.

از سویی دیگر هدف از حسابرسی صورتهایی که توسط مدیریت واحد تجاری تهیه شده است این است که حسابرسان به عنوان یک فرد مستقل تعیین نمایند که آیا صورتهای مالی از تمام جنبه های با اهمیت در انطباق با اصول متداول حسابداری هستند یا خیر؟ از این رو اظهارنظر حسابرسان، اعتبار صورتهای مالی را افزایش می دهد. از سوی دیگر، همواره یکی از مفروضات اصلی در ادبیات مالی، این است که مدیران

شرکتها سعی در به حداکثر ساختن سود شرکت و در نهایت ثروت سهامداران خود هستند. آنها به منظور دستیابی به این هدف، باید در تصمیم گیری های خود، به عوامل بازده سهام توجه داشته بیشتری داشته باشند. یکی از مواردی که می تواند این موضوع را تحت تأثیر قرار دارد، ضعف مدیریتی است. در واقع این روزها مسئولیت حسابرسان در سه حوزه حرفه‌ای، قانونی و اجتماعی ابعاد بیشتری یافته، به طوری که شاید بتوان گفت که مسولیت‌های اجتماعی حسابرسان بسی فراتر از سایر حوزه‌های مسولیتی آنان می‌باشد، زیرا گزارش‌های حسابرسان مورد استناد کل جامعه قرار خواهد گرفت. از طرفی دیگر در پرتو تحولات عمده بین‌المللی، حرفه حسابداری و حسابرسی نیز دچار دگرگونی‌های عمده‌ای شده است. حرفه حسابداری و حسابرسی در کشور ما از این قاعده مستثنی نبوده به طوری که در سالهای اخیر شاهد گرایش به بزرگ شدن موسسات حسابرسی و افزایش تعداد شرکاء آن بوده ایم. نکته حائز اهمیت دیگر، نقش مؤسسات حسابرسی در بازار سرمایه است که با توجه به استقبال اخیر مردم از این بازار، حسابرسان از بازیگران اصلی بازار سرمایه نیز به شمار می‌روند. شفافیت در تهیه گزارش‌های شرکت‌های هلدینگ، وجود صورت‌های مالی تلفیقی و غیره از جمله حوزه‌های هستند که حسابرسان در آن نقش کلیدی دارند. در همین راستا یکی دیگر از مواردی که ممکن است در این رابطه تأثیرگذار باشد، میزان مالکیت نهادی است. لذا با عنایت به توضیحات گفته شده و با توجه به این که تاکنون پژوهش تجربی که به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی پرداخته شده باشد، انجام نشده است لذا پژوهش حاضر از این جنبه دارای نوآوری میباشد، در نهایت در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سوال می باشیم که آیا مالکیت نهادی بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی تأثیر گذار است یا خیر؟

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

ضعف مدیریتی

ضعف مدیریتی، بازتابی از مشکلات سازمان است که مدیران از عدم تقارن اطلاعات بین خود و سهامداران شرکت استفاده می کنند تا منابع سازمان را به نفع خود منحرف کنند [۲۶ و ۲۷]. همچنین ضعف مدیریتی با سیستم‌ها، فرایندها و ساختارهای بهینه سازی نشده مرتبط بوده و دستیابی شرکت به فرصت های جدید را کاهش می دهد. مفهوم ضعف مدیریتی با استدلال های تئوری نمایندگی نیز همخوانی دارد. از این جهت که تفکیک مالکیت از مدیریت و همچنین اطلاعات نامتقارن بین مدیران و سهامداران ممکن است مدیران علاقه مند به خود را برای استفاده از منابع شرکت برای مصرف شخصی و یا مشارکت در هزینه های شرکت برای به دست آوردن منافع شخصی از جیب سهامداران ترقیب کند [۲۷ و ۳۱].

مالکیت نهادی

مطابق تعریف بوش (۱۹۹۸) سرمایه گذاران نهادی شامل سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانک ها، موسسات بیمه، شرکتهای سرمایه گذاری و ... می باشند [۱۶]. عموماً این گونه تصور می شود که حضور سرمایه گذاران نهادی ممکن است به تغییر رفتار شرکت ها منجر شود. این امر از فعالیت های نظارتی که این

سرمایه گذاران انجام می دهند نشات می گیرد [۳۷]. سرمایه گذاران نهادی منابعی برای نفوذ و نظارت بر شرکت و مدیران دارند و یکی از روش های حل مشکل نمایندگی این است که از طریق مالکیت نهادی، رابطه ی بین مدیران شرکت و ذینفعان به هم نزدیک شود [۳۴]. از منظر تئوری سرمایه گذاران نهادی ممکن است انگیزه هایی برای نظارت فعال بر مدیریت داشته باشند [۳۶].

اندازه مؤسسه حسابرسی

کیفیت حسابرسی در استانداردهای حسابرسی این گونه استنباط می شود: صدور گزارش حسابرسی مناسب در خصوص رعایت اصول حسابداری پذیرفته شده همگانی توسط صاحبکار [۱]. یکی از اولین پژوهش ها در این زمینه، توسط دی آنجلو (۱۹۸۱) انجام گرفت. او معتقد بود کیفیت حسابرسی قابل مشاهده نبوده و بررسی تاثیر آن، هزینه بر می باشد؛ از این رو باید متغیری که ارزیابی آن هزینه بر و زمانبر نیست جایگزین آن شود. دی آنجلو اندازه مؤسسه حسابرسی را به عنوان جایگزین معرفی می نماید. وی معتقد است موسسات حسابرسی بزرگتر کیفیت حسابرسی بالاتری را نسبت به موسسات حسابرسی کوچکتر ارائه می نمایند. دی آنجلو (۱۹۸۱) همچنین معتقد است در موسسات حسابرسی بزرگتر (دارای نام تجاری) حسن شهرت بالاتری وجود دارد، که این موضوع باعث افزایش اعتبار حسابرسان می شود. این اعتبار، از توانایی نظارت حسابرسان و تاثیر آنها بر کیفیت اطلاعات منتشر شده بدست می آید [۲۱].

بسط و توسعه فرضیه ها

شواهدی وجود دارد که سیستم حسابداری می تواند کنترل شرکت ها را افزایش و عدم تقارن اطلاعات بین ستاد شرکت ها و واحدهای کسب و کار را کاهش می دهد [۲۹]. ادبیات حسابداری هزینه های عمومی، اداری و فروش را به عنوان یک مفهوم مرتبط با ضعف مدیریتی مورد بررسی قرار داده و بیان می کند که مدیران فرصت طلب می توانند از اختیار خود برای افزایش هزینه های ناخواسته که برای سهامداران پرهزینه است، استفاده کنند [۱۱ و ۱۴]. با این حال، تاثیر منفی افزایش هزینه های عمومی، اداری و فروش، می تواند با بکارگیری مکانیسم های حاکمیت شرکتی کاهش یابد [۱۹]. در سالهای اخیر یکی از سازوکارهایی که به عنوان حاکمیت شرکتی مورد توجه قرار گرفته است، سهامداران نهادی هستند. تحقیقات زیادی با موضوع سهامداران نهادی انجام شده است که نشان می دهد این سهامداران، مدیریت شرکت را برای تمرکز بر روی عملکرد اقتصادی و اجتناب از اتخاذ رویه های فرصت طلبانه ترغیب می کنند [۹]. از این رو انتظار می رود شرکت این دسته از سرمایه گذاران در ترکیب سهامداران شرکت، بر فرآیند مدیریت سود شرکت مؤثر باشد. پس از تفکیک مالکیت از مدیریت، نیاز به اطلاعات مالی که قابلیت اتکا داشته و از شفافیت لازم برخوردار باشد، به شدت افزایش یافت. یکی از راه ها و روش های مهم مورد استفاده جهت بهبود قابلیت اتکا و شفافیت اطلاعات مالی، استفاده از خدمات حسابرسان مستقل است. اما آنچه در این میان بدیهی به نظر می رسد این است که کیفیت حسابرسی از یک حسابرس، به حسابرس دیگر متفاوت خواهد بود. بنابراین همواره کیفیت حسابرسی به یکی از موضوعات مهم مورد مناقشه بین پژوهشگران و قانون گذاران تبدیل شده است. کیفیت کار موسسات حسابرسی با یکدیگر

متفاوت بوده به طوری که به صورت مستقیم و با مشاهده موسسات حسابرسی نمی توان تشخیص داد که کدام مؤسسه از کیفیت حسابرسی بالاتری برخوردار است. یکی از معیارهای مهم و تعیین کننده که در این زمینه مطرح شده است، اندازه مؤسسه حسابرسی است.

ال داوود^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی «تأثیر اندازه مؤسسه حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، مالکیت نهادی و ویژگی های هیئت مدیره بر استقلال حسابرس» پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اندازه مؤسسه حسابرسی و مالکیت نهادی و استقلال هیئت مدیره به صورت معنادار و مثبت بر کیفیت حسابرسی تأثیر می گذارند [۱۰]. هی و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، در پژوهش خود به بررسی «تأثیر مؤسسه حسابرسی بر ضعف مدیریتی» پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین ضعف مدیریتی و اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد [۳۲]. دینگ و همکاران^۳ (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «مالکیت دولتی، مدیریت سود واقعی و عملکرد شرکت» اثر مالکیت دولتی بر عملکرد و مدیریت سود واقعی شرکت های خصوصی در چین بین سالهای ۱۹۹۸ لغایت ۲۰۱۲ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که از لحاظ سیاسی، شرکت های دولتی بیشتر از سایر شرکتهای، درگیر فعالیتهای واقعی برای دستکاری سود هستند. همچنین مالکیت دولتی، تأثیر مثبتی بر عملکرد شرکت دارد و مدیریت سود واقعی، متکی بر تأثیر وابستگی سیاسی بر عملکرد شرکت است [۲۴]. بیلز و همکاران^۴ (۲۰۱۵)، در تحقیقی با عنوان «آیا حسابرسان به عدم اطمینان مدیریت پاسخ می دهند» به این نتیجه رسیدند که تأثیر منفی و معناداری بر رابطه بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی با اندازه مؤسسه حسابرسی وجود دارد. همچنین، نتایج این تحقیق نشان داد حق الزحمه حسابرسی، تحت تأثیر مستقیم عدم قطعیت مدیریت است [۱۵]. کان و همکاران^۵ (۲۰۰۴) در پژوهشی به «بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و کیفیت حسابرسی» پرداختند. آنها اندازه مؤسسه حسابرسی را به عنوان عامل کیفیت حسابرسی در نظر گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد که بین مالکیت نهادی و اندازه مؤسسه حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. این بدان معناست که سرمایه گذاران نهادی دارای نفوذ بیشتری در شرکت هستند و خواستار کیفیت حسابرسی بالا می باشند [۳۳].

غلامی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی و مالکیت نهادی بر تاخیر واکنش قیمت سهام» پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که شواهدی مبنی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و مالکیت نهادی با تاخیر قیمت سهام یافت نشد [۶]. مقیمی خیرآبادی و رضوی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی «تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی و کیفیت حسابرسی» پرداختند. آنها به این نتیجه

¹ Al Daoud

² Hei et al

³ Ding et al

⁴ Bils et al

⁵ Kane et al

رسیدند که شاخص تمرکز مالکیت دارای رابطه منفی و معنی دار با اندازه حسابرسی می باشد؛ شاخص مالکیت نهادی دارای رابطه مثبت و معنی دار با اندازه حسابرسی می باشد؛ شاخص تمرکز مالکیت دارای رابطه منفی و معنی دار با دوره تصدی حسابرسی می باشد و شاخص مالکیت نهادی دارای رابطه مثبت و معنی دار با دوره تصدی حسابرسی می باشد [۸]. فتاحی نافچی و دهکردی (۱۳۹۷)، در تحقیق خود به «بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که روند مدیریت سود با افزایش کیفیت حسابرسی کاهش می یابد. همچنین استقلال حسابرسی و اندازه موسسه حسابرسی در مقایسه با سایر مولفه های تاثیرگذار بر اندازه گیری کیفیت حسابرسی، تاثیرگذارتر و دارای ارتباط منفی و معنادارتری به ترتیب با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی دارد [۷]. خدای پور و حسینی نسب (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان «تاثیر محافظه کاری حسابداری و مالکیت سهامداران نهادی بر مدیریت سود» به این نتیجه رسیدند که محافظه کاری، مالکیت سهامداران نهادی و اثر تعاملی این دو متغیر باعث کاهش مدیریت سود می شود. همچنین ذینفعان شرکت می توانند از محافظه کاری و مالکیت سهامداران نهادی به عنوان دو ابزار کارآمد جهت محدود کردن فرصت های مدیریت سود استفاده کنند [۳]. تفتیان و اسکندری (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثر سرمایه گذاران نهادی بر رابطه اندازه موسسه حسابرسی در صنعت با ریسک پذیری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به این نتیجه رسیدند که اندازه موسسه حسابرسی اثر مثبت و معناداری بر ریسک پذیری شرکت ها دارد و زمانیکه حسابرسی توسط موسسات بزرگ انجام می شود، میزان ریسک پذیری شرکت ها افزایش می یابد [۲]. ذاکری و حساس یگانه (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و سرمایه گذاران نهادی» به این نتیجه رسیدند که بین مالکیت نهادی و اندازه مؤسسه حسابرسی ارتباط مثبت وجود دارد و این حاکی از نظارت فعالانه سرمایه گذاران نهادی بر مدیریت شرکت است [۴].

فرضیه های پژوهش

در راستای دستیابی به اهداف پژوهش و با توجه به مبانی نظری و بسط و توسعه فرضیات و پیشینه های مطرح شده، فرضیه های پژوهش به شرح زیر طراحی و تدوین شده است:

فرضیه اول: بین اندازه موسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: مالکیت نهادی بر رابطه بین اندازه موسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی تاثیر معناداری دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف پژوهشی کاربردی و از لحاظ نوع روش پژوهش، پژوهشی توصیفی - همبستگی می باشد. به منظور جمع آوری داده ها و اطلاعات، از روش کتابخانه ای استفاده شده است. قسمت مبانی نظری از کتب، مجلات و سایت های تخصصی فارسی و لاتین، و داده های مالی مورد نیاز با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین و سایت کدال، گردآوری شده اند. جامعه آماری مورد هدف در این تحقیق شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و از همه صنایع طی سال های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۹

می‌باشد. نمونه آماری به روش نمونه گیری حذفی که در آن شرکت‌های انتخاب شده با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در ذیل از بین مجموعه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که دارای شرایط ذیل باشند:

- شرکت مورد نظر از جمله شرکت های واسطه گری مالی نباشد.
 - سهام شرکت در طول هر یک از سال های دوره پژوهش معامله شده باشد.
 - از منظر افزایش قابلیت مقایسه ، پایان سال مالی شرکت، منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - طی سال های مورد مطالعه تغییر سال مالی یا فعالیت نداده باشد.
 - شرکت مورد نظر از ابتدا تا انتهای پژوهش در فهرست شرکت های پذیرفته شده در بورس باشد.
 - تمامی داده های مورد نیاز آن در طی سالهای ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۹ در دسترس باشد.
- با در نظر گرفتن شرایط فوق تعداد ۱۲۰ شرکت باقی ماند که در حقیقت نشان دهنده جامعه آماری واقعی مورد رسیدگی می‌باشد. بنابراین با استفاده از روش آماری رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته، فرضیات پژوهش که در قسمت قبل بیان گردید، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین آزمون فرضیه پژوهش به کمک نرم افزار ایویوز^۱، و به شرح طرح آزمون آماری فرضیه ها که در بخش های بعد ارائه می شود، صورت پذیرفته است. همچنین برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل رگرسیونی (۱) استفاده شده است:

$$\text{Managerial Slack}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Big1}_{i,t-1} + \beta_2 \text{IO}_{i,t-1} + \beta_3 \text{Big} \times \text{IO} + \beta_4 \text{Leverage}_{i,t-1} + \beta_5 \text{Lnta}_{i,t-1} + \beta_6 \text{Growth}_{i,t-1} + \beta_7 \text{ROA}_{i,t-1} + \beta_8 \text{Current ratio}_{i,t-1} + \beta_9 \text{Adjusted ROA}_{i,t-1} + \theta_t + \varepsilon_{i,t}$$

مدل (۱)

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه گیری آن

بر اساس مبانی ارائه شده در این پژوهش متغیرها در چهار گروه مستقل، وابسته، تعدیل گر و کنترلی بیان شده اند، که در ادامه ارائه می شوند.

متغیر مستقل

Big1 = اندازه مؤسسه حسابرسی می باشد، چنانچه مؤسسه حسابرسی، سازمان حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می شود [۵].

متغیر وابسته

Managerial Slack_{i,t} = ضعف مدیریتی شرکت i در سال t میباشد و در این پژوهش از باقیمانده مدل رگرسیونی هزینه های عمومی، اداری فروش مطابق مدل زیر حاصل می شود [۳۲]:

$$\text{G\&A}_{i,t}/\text{Sales}_{i,t} = \alpha + \beta_1 \text{Log}(\text{Sales}_{i,t}) + \beta_2 \text{PPE}_{i,t}/\text{Asset}_{i,t} + \beta_3 \text{Emp_Intensity}_{i,t} + \beta_4 \text{Asset_Intensity}_{i,t} + \beta_5 \text{Sales_Decrease}_{i,t} + \beta_6 \text{Return}_{i,t} + \Sigma \text{Industry} + \Sigma \text{year} + \varepsilon$$

مدل (۲)

که در آن:

¹ Eviews

$G\&A_{i,t}/Sales_{i,t}$ هزینه های عمومی، اداری و فروش به فروش شرکت i در سال t میباشد.
 $LogSales_{i,t}$ لگاریتم کل فروش شرکت i در سال t میباشد.
 $PPE_{i,t}/Asset_{i,t}$ نسبت کل دارایی های ثابت به کل دارایی های شرکت i در سال t میباشد.
 $Emp_Intensity_{i,t}$ شدت کارکنان (نسبت تعداد کل کارکنان به کل فروش شرکت i در سال t) میباشد.
 $Asset_Intensity_{i,t}$ کل دارایی ها به فروش شرکت i در سال t میباشد.
 $Sales_Decrease_{i,t}$ متغیر دامی (کنترل اثرات ثابت سال) میباشد که نشان دهنده زمانی میباشد که شرکت i کاهش فروش را تجربه می کند.
 $Return_{i,t}$ بازده سهام سالانه را برای اندازه گیری عملکرد شرکت i در سال t نشان می دهد.
 $\Sigma Industry$ اثرات ثابت صنعت میباشد.
 $\Sigma year$ اثرات ثابت سال میباشد.
 ε مقدار باقیمانده میباشد که در این پژوهش به عنوان ضعف مدیریتی در نظر گرفته می شود.

متغیر تعدیل گر

IO شرکتهای با مالکیت نهادی می باشد. طبق بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار، سرمایه گذاران نهادی عبارتند از:

- ۱- بانک ها و بیمه ها،
 - ۲- هلدینگ ها، شرکتهای سرمایه گذاری، صندوق بازنشستگی، شرکت تأمین سرمایه و صندوق های سرمایه گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار،
 - ۳- هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند،
 - ۴- سازمان ها و نهادهای دولتی و عمومی،
 - ۵- شرکتهای دولتی،
 - ۶- اعضای هیأت مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند.
- با بررسی صورتهای مالی و یادداشتهای پیوست آن، درصد مالکیت این سرمایه گذاران از سهام شرکت محاسبه می شود و در نهایت به صورت نسبت تعداد سهام سرمایه گذاران نهادی تقسیم بر کل سهام شرکت اندازه گیری می گردد.

متغیرهای کنترلی

تمامی متغیرهای کنترلی به پیروی از پژوهش هی و همکاران (۲۰۱۸) و به شرح زیر اندازه گیری می گردد [۳۲]:

ε مقدار باقیمانده شرکت i در سال t میباشد.

θ_t متغیر دامی زمان میباشد.

$Leverage_{i,t}$ بیانگر اهرم مالی است و برای اندازه گیری آن از نسبت کل بدهی به کل دارائی ها استفاده می شود.

$Lnta_{i,t}$ لگاریتم طبیعی کل دارائی ها میباشد.

$Growth_{i,t}$ به صورت نرخ رشد فروش سالانه محاسبه میشود.

$ROA_{i,t}$ بیانگر نرخ بازده دارائی ها می باشد که برای اندازه گیری آن از نسبت سود خالص تقسیم بر کل دارائی ها استفاده می شود.

$Current\ ratio_{i,t}$ نسبت جاری میباشد که به صورت نسبت دارائی های جاری به بدهی جاری محاسبه میشود.

$Adjusted\ ROA_{i,t}$ بازده دارائی تعدیل شده است که به منظور اندازه گیری عملکرد شرکت محاسبه می شود که به صورت نرخ بازده دارایی های شرکت منهای متوسط نرخ بازده دارائی های صنعت در یک سال معین، محاسبه می شود.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

در تحلیل توصیفی متغیرها اصلی ترین شاخص مرکزی میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده ها است و همچنین انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است. در ادامه آمار توصیفی متغیرها در نگاره ۱ بیان گردیده است.

نگاره ۱: آمار توصیفی متغیرها

متغیرهای پیوسته پژوهش					
متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف استاندارد
هزینه های عمومی	۰/۰۸۵	۰/۰۶۵	۱/۰۳۴	۰/۰۰۲	۰/۰۸۷
لگاریتم فروش	۱۴/۰۵۹	۱۴/۰۰۴	۲۰/۴۶۷	۹/۰۰۶	۱/۴۵۴
دارایی های مشهود	۰/۲۴۶	۰/۲۰۹	۰/۹۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۱۷۰
شدت کارکنان	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۳	۰/۱۵۸	۲/۰۰۲	۰/۰۰۵
شدت دارایی ها	۱/۷۶۷	۱/۲۴۳	۴۶/۳۵۳	۰/۱۲۸	۲/۶۹۴
بازده سهام شرکت	۱/۰۱۶	۰/۲۵۸	۲۳/۸۴۳	-۰/۸۷۳	۲/۱۹۱
ضعف مدیریتی	-۴/۸۳۰	-۰/۰۰۹	۰/۷۰۲	-۰/۲۶۵	۰/۰۶۱
اهرم شرکت	۰/۵۵۰	۰/۵۵۹	۱/۵۶۷	۰/۰۳۱	۰/۲۱۶
لگاریتم دارایی ها	۱۴/۳۲۰	۱۴/۲۲۱	۲۰/۷۶۸	۱۰/۴۹۲	۱/۴۰۸

متغیرهای پیوسته پژوهش					
متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف استاندارد
رشد فروش	۰/۳۶۱	۰/۲۴۰	۷/۷۰۵	-۰/۹۰۹	۰/۶۸۰
بازده دارایی ها	۰/۱۴۴	۰/۱۲۳	۰/۸۳۰	-۰/۴۰۰	۰/۱۵۲
نسبت جاری	۱/۷۷۱	۱/۳۶۰	۲۷/۰۹۵	۰/۲۲۰	۱/۷۳۷
بازده تعدیل شده	-۰/۰۰۲	-۰/۰۱۰	۰/۴۷۳	-۰/۴۵۲	۰/۱۲۰
مالکیت نهادی	۳۱/۱۵۴	۲۰/۲۲	۹۸/۹۳	۰/۰۰۰	۳۰/۹۴۷
متغیرهای مصنوعی پژوهش					
متغیر	میانگین	تعداد (۱)	تعداد (۰)	انحراف معیار	
کاهش فروش	۰/۲۲۲	۲۳۰	۸۰۵	۰/۴۱۵	
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۲۲۰	۲۲۸	۷۹۷	۰/۴۱۴	

حال با توجه به نتایج نگاره ۱ می توان نتیجه گرفت که میانگین متغیر ضعف مدیریتی $۴/۸۳۰$ - می باشد که نشان می دهد به طور متوسط، مدیران در حدود ۴ درصد از هزینه های عمومی و اداری نسبت به فروش را بیشتر هزینه کرده اند که این موضوع باعث ضعف می شود. همچنین میانگین متغیر اندازه موسسه حسابرسی برابر با $۰/۲۲۰$ می باشد، که نشان می دهد تقریباً ۲۲ درصد از شرکت ها، سازمان حسابرسی را برای حسابرسی انتخاب می کنند. در نهایت میانگین متغیر بازده دارایی ها $۰/۱۴۴$ میباشد که به این معناست که بطور متوسط ۱۴ درصد از ارزش دفتری دارایی ها در شرکت های مورد بررسی به سود خالص تبدیل شده است.

آمار استنباطی

جهت تخمین مدل پژوهش، از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته^۱ استفاده کرده ایم و اثرات ثابت صنعت و اثرات ثابت سال را نیز با استفاده از متغیرهای مصنوعی کنترل نموده ایم.

تجزیه و تحلیل نتایج فرضیه اول پژوهش

با توجه به نتایج نگاره ۲ مشاهده می شود که آماره F دارای مقدار $۴۰/۹۸۰$ و معناداری آن نیز کمتر از $۰/۰۵$ است. در نتیجه کلیت مدل رگرسیون پذیرفته می شود؛ به این معنی که بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد و حداقل یک متغیر مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری دارد. در نهایت نگاره ۲ نتایج تخمین مدل پژوهش را نشان می دهد.

^۱ Generalized Least Squares

نگاره ۲: نتایج تخمین فرضیه اول پژوهش

عنوان	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره t	معناداری
عرض از مبدا	C	۰/۰۳۵	۰/۰۱۷	۲/۰۲۳	۰/۰۴۳
اندازه مؤسسه حسابرسی	BIG1	۰/۰۰۰۵	۰/۰۰۳	۰/۱۳۹	۰/۸۸۹
اهرم شرکت	Leverage	۰/۰۲۰	۰/۰۰۹	۲/۲۲۱	۰/۰۲۶
لگاریتم دارایی ها	LNTA	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۲/۵۳۴	۰/۰۱۱
رشد فروش	GROWTH	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۲	-۳/۷۹۴	۰/۰۰۲
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۰۲۰	۰/۰۲۲	-۰/۹۳۰	۰/۳۵۲
نسبت جاری	Current ratio	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۹	۱/۵۷۹	۰/۱۱۴
بازده تعدیل شده	Adjusted ROA	-۰/۰۰۹	۰/۰۲۵	-۰/۳۵۰	۰/۷۲۶
اثرات ثابت سال	کنترل شده				
اثرات ثابت صنعت	کنترل شده				
آماره F والد	معناداری F	R^2 مدل	R^2 تعدیل شده	تعداد مشاهدات	
۴۰/۹۸۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۴	۰/۳۹۴	۱۰۳۵	

با توجه به نتایج نگاره ۲، ضریب اندازه مؤسسه حسابرسی دارای مقداری مثبت و برابر با ۰/۰۰۰۵ و آماره t مربوط به آن برابر با ۰/۱۳۹ است. از آن جایی که سطح معناداری این آماره بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا نمی توان وجود رابطه مثبت و معنادار بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی را پذیرفت. در نتیجه فرضیه اول پژوهش رد می شود. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای مدل که برابر ۰/۳۹۴ میباشد، می توان بیان کرد که متغیرهای مستقل بیش از ۳۹ درصد از میزان ضعف مدیریتی شرکت ها را توضیح می دهند.

تجزیه و تحلیل نتایج فرضیه دوم پژوهش

با توجه به نتایج نگاره ۳ مشاهده می شود که آماره F دارای مقدار ۳۶/۰۶۷ و معناداری آن نیز کمتر از ۰/۰۵ است. در نتیجه کلیت مدل رگرسیون پذیرفته می شود؛ به این معنی که بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد و حداقل یک متغیر مستقل با متغیر وابسته رابطه معنی داری دارد. در نهایت نگاره ۳ نتایج تخمین مدل پژوهش را نشان می دهد.

نگاره ۳: نتایج تخمین فرضیه دوم پژوهش

عنوان	نماد	ضریب	انحراف معیار	آماره t	معناداری
عرض از مبدا	C	۰/۰۳۴	۰/۰۱۷	۱/۹۳۲	۰/۰۵۳
اندازه مؤسسه حسابرسی	BIG1	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	-۰/۶۱۱	۰/۵۴۱
مالکیت نهادی	IO	-۷/۸۸۰	۵/۲۴۰	-۱/۵۰۲	۰/۱۳۳
اثر تعاملی	BIG*IO	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۹۸۱	۰/۳۲۶
اهرم شرکت	Leverage	۰/۰۲۰	۰/۰۰۹	۲/۲۲۶	۰/۰۲۶
لگاریتم دارایی ها	LNTA	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	-۲/۲۷۲	۰/۰۲۳
رشد فروش	GROWTH	-۰/۰۰۸	۰/۰۰۲	-۳/۷۸۴	۰/۰۰۰۲
بازده دارایی ها	ROA	-۰/۰۲۲	۰/۰۲۳	-۰/۹۷۱	۰/۳۳۱
نسبت جاری	Current ratio	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۹	۱/۵۰۸	۰/۱۳۱
بازده تعدیل شده	Adjusted ROA	-۰/۰۰۶	۰/۰۲۶	-۰/۲۴۳	۰/۸۰۷
اثرات ثابت سال	کنترل شده				
اثرات ثابت صنعت	کنترل شده				
آماره F والد	معناداری F	R^2 مدل	R^2 تعدیل شده	تعداد مشاهدات	
۳۶/۰۶۷	۰/۰۰۰	۰/۴۰۴	۰/۳۹۳	۱۰۳۵	

با توجه به نتایج نگاره ۳، ضریب متغیر اثر تعاملی دارای مقداری مثبت و برابر با ۰/۰۰۰۱ و آماره t مربوط به آن برابر با ۰/۹۸۱ است. از آن جایی که سطح معناداری این آماره نیز بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا نمی توان وجود اثر تعدیلگر مالکیت نهادی را بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی پذیرفت. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش رد می شود. همچنین با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده بدست آمده برای مدل که برابر ۰/۳۹۳ میباشد، می توان بیان کرد که متغیرهای مستقل بیش از ۳۹ درصد از میزان ضعف مدیریتی شرکت ها را توضیح می دهند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است. برای این منظور، از داده های ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۹۹ استفاده شد.

در پژوهش حاضر دو فرضیه طراحی شد. فرضیه ی اول بر رابطه معنی دار اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی دلالت داشت که با انجام تجزیه و تحلیل آماری درستی این فرضیه مورد تایید قرار نگرفت. در همین راستا و در تحقیقاتی که توسط هی و همکاران در سال ۲۰۱۸ انجام شده است مشخص گردید رابطه مثبت و معناداری بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی وجود دارد. البته آنها در تحقیق خود، هشت مؤسسه بزرگ حسابرسی را به عنوان مؤسسه بزرگ حسابرسی در نظر گرفته بودند. از این جهت، نتایج تحقیق با نتایج بدست آمده توسط هی و همکاران هم راستا نمی باشد [۳۲]. بر اساس تحقیقات فتاحی نافچی و همکاران که در سال ۱۳۹۷ انجام شده است مشخص گردید که اندازه مؤسسه حسابرسی در مقایسه با سایر مؤلفه های اندازه گیری کیفیت حسابرسی، دارای اثر منفی و معنادارتری با مدیریت سود دارد [۷]. از این جهت، نتایج تحقیق با نتایج بدست آمده توسط فتاحی نافچی و همکاران هم راستا نمی باشد.

فرضیه دوم بر تأثیر گذاری مالکیت نهادی بر رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و ضعف مدیریتی را مد نظر قرار می داد که با انجام تجزیه و تحلیل آماری درستی این فرضیه مورد تایید قرار نگرفت. در همین راستا و در تحقیقاتی که توسط غلامی و همکاران (۱۴۰۰) انجام شده است مشخص گردید که شواهدی مبنی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و مالکیت نهادی با تاخیر قیمت سهام یافت نشد [۶]. از این جهت، نتایج تحقیق با نتایج بدست آمده توسط غلامی و همکاران هم راستا می باشد. بر اساس تحقیقات ال دائود که در سال ۲۰۲۰ انجام شده است مشخص گردید که اندازه مؤسسه حسابرسی و مالکیت نهادی و استقلال هیئت مدیره به صورت معنادار و مثبت بر کیفیت حسابرسی تأثیر می گذارند [۱۰]. از این جهت، نتایج تحقیق با نتایج بدست آمده توسط ال دائود هم راستا نمی باشد.

در همین راستا و با توجه به نتایج مبتنی بر فرضیه های پژوهش پیشنهاد کاربردی بدین صورت ارائه می گردد: سرمایه گذاران می بایست به سایر عواملی که بر ضعف مدیریتی تأثیر گذار می باشند توجه نمایند که از جمله این عوامل می توان به اهرم شرکت اشاره نمود. در ادامه و به محققان آتی پیشنهاد می گردد در تحقیقات خود، مؤسسات حسابرسی که دارای شرکای بیشتری هستند را نیز در کنار سازمان حسابرسی، به عنوان مؤسسات بزرگ حسابرسی در نظر گرفته و نتایج تحقیق خود را با این روش تحلیل نمایند.

در نهایت محدودیت های پژوهش بدین صورت ارائه می گردد: ممکن است در پژوهش علمی مواردی وجود داشته باشد که خارج از کنترل پژوهشگر بوده ولی نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. از این جهت می بایست اثر این متغیرها مثل عمر مؤسسه حسابرسی بر نتایج تحقیق مدنظر قرار گیرد. همچنین با عنایت به اینکه قلمرو مکانی این پژوهش، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند، ممکن است نتایج پژوهش برای سایر شرکتهای که دارای ساختار مشابهی هستند، قابلیت مقایسه و استنباط نداشته باشد. ضمناً به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات کافی در خصوص برخی از اطلاعات مورد نیاز و محرمانه تلقی شدن آنها، داده های آنان در اختیار قرار نگرفته است لذا ناچاراً این شرکتهای از نمونه حذف گردید که این موضوع ممکن است بر نتایج پژوهش مؤثر باشند.

فهرست منابع

۱. پیری، پرویز، شیخ محمدی، امیر، جوادی، نعمت الله. (۱۳۹۲). "بررسی ارتباط بین اندازه مؤسسه حسابرسی، تعداد صاحبکاران مؤسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی". *دانش حسابرسی*. (۵۱): ۱-۲۶.

۲. تفتیان، اکرم و اسکندری، مهدی. (۱۳۹۵). "بررسی اثر سرمایه گذاران نهادی بر رابطه اندازه موسسه حسابرسی در صنعت با ریسک پذیریشرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دومین کنفرانس بین المللی حسابداری و مدیریت در هزاره سوم، رشت.
۳. خدای پور، احمد، حسینی نسب، حجت، اشتریان، افشین. (۱۳۹۷). "تأثیر محافظه کاری حسابداری و مالکیت سهامداران نهادی بر مدیریت سود با استفاده از قانون بنفورد". **پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی**، ۱۰(۳۹): ۱-۲۸.
۴. ذاکری، حامد و همکاران. (۱۳۹۳). "بررسی رابطه بین اندازه مؤسسه حسابرسی و سرمایه گذاران نهادی". **بورس اوراق بهادار**، ۷(۲۶): ۲۳-۳۹.
۵. شاه صاحبی، سید مصطفی، دارابی، رویا. (۱۳۹۷). "اثر تعدیلی اندازه موسسه حسابرسی بر رابطه هزینه های نمایندگی و روابط سیاسی". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۷(۲۸): ۹۱-۱۰۴.
۶. غلامی، رضا، کریمی تکلو، فاطمه، پذیرش، المیرا. (۱۴۰۰). "بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی و مالکیت نهادی بر تاخیر واکنش قیمت سهام"، چهارمین کنفرانس بین المللی سالانه تحولات نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران
۷. فتاحی نافچی، حسن، فاضل دهکردی، عاطفه. (۱۳۹۷). "بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی و مدیریت سود واقعی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". **چشم انداز حسابداری و مدیریت**، ۱(۲): ۶۸-۸۲.
۸. مقیمی خیرابادی، جمال، رضوی، سیدمحمد. (۱۳۹۹). "تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی و کیفیت حسابرسی"، پنجمین کنفرانس بین المللی مطالعات نوین مدیریت و حسابداری در ایران، تهران.
۹. مهرانی، ساسان، فعال قیومی، علی، مرادی، محمد. (۱۳۹۱). "رابطه بین مالکیت نهادی، تمرکز مالکیت نهادی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری". **دانش حسابداری**، ۳(۱۱): ۳۱-۵۵.
10. Al Daoud, K. A. (2020). "An investigation into the effect of audit firm size, auditor tenure, institutional ownership, board characteristics on auditor independence". **International Journal of Management Practice**, 13(4): 462 – 477.
11. Anderson, M., Banker, R., Huang, R., Janakiraman, S. (2007). "Cost behavior and fundamental analysis of SG&A costs". **Journal of Accounting, Auditing, and Finance**, 22(1): 1-28.
12. Antle, R., Eppen, G. D. (1985). "Capital rationing and organizational slack in capital budgeting". **Management Science**, 31(2): 163-174.
13. Bae, G. S., Choi, S. U., Dhaliwal, D., Lamoreaux, P. (2017). "Auditors and client investment efficiency". **The Accounting Review**, 92(2): 19-40.
14. Banker, R., Huang, R., Natarajan, R. (2011). "Equity incentives and long-term value created by SG&A expenditure". **Contemporary Accounting Research**, 28(3): 794-830.
15. Bills, K.L., Liscic, L.L., Seidel, T.A. (2015). "Do auditors respond to management uncertainty? Evidence from audit fees". <http://www.ssrn.com>
16. Bushee, B.J. (1998). "The Influence of Institutional Investors on Myopic R&D Investment Behavior". **Accounting Review**, 73: 305-334
17. Cai, Y., Kim, Y., Park, J. C. White, H.D. (2016). "Common auditors in M&A transactions". **Journal of Accounting and Economics**, 61(1):79-99.
18. Chang, X., Dasgupta, S., Hilary, G. (2009). "The effect of auditor quality on financing decisions". **The Accounting Review**, 84(4): 1085-1117.

19. Chen X., Lu, H., Sougiannis, T. (2012). "The agency problem, corporate governance, and the asymmetrical behavior of selling, general, and administrative costs". **Contemporary Accounting Research**, 29 (1): 252-282.
20. Chow, C. W., Cooper, J. C., Waller, W. S. (1988). "Participative budgeting: Effects of a truthinducing pay scheme and information asymmetry on slack and performance". **The Accounting Review**, 63 (1): 111-122.
21. DeAngelo, L. (1981). "Auditor size and audit quality", **Journal of Accounting and Economics**, 3(3):183-199.
22. DeFond, M. L., Zhang, J. (2014). "A review of archival auditing research". **Journal of Accounting and Economics**, 58 (2/3): 275-326.
23. Dhaliwal, D. S., Lamoreaux, P., Litov, L., Neyland, J. (2016). "Shared auditors in mergers and acquisitions". **Journal of Accounting and Economics**, 61(1): 49-76.
24. Ding, R., Li, J., Wu, Z. (2018). "Government affiliation, real earnings management, and firm performance: The Case of Privately Held Firms". **Journal of Business Research**, 38, 138-150.
25. Dunk, A. (1993). "The effect of budgetary emphasis and information asymmetry on the relation between budgetary participation and slack". **The Accounting Review**, 68(2): 400-410.
26. Dyck, A., Zingales, L. (2004). "Private benefits of control: An international comparison". **Journal of Finance**, 59: 537-600.
27. Fama, E. (1980). "Agency problems and the theory of the firm". **Journal of Political Economy**, 88: 288-307.
28. Francis, J. (2004). "What do we know about audit quality?" , **The British Accounting Review**, 36(4): 345-368.
29. Indjejikian, R., Matejka, M. (2006). "Organizational slack in decentralized firms: The role of business unit controllers". **The Accounting Review**, 81(4): 849-872.
30. Jensen, M. C. (1986). "Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers". **American Economic Review**, 76: 323-329 .
31. Jensen, M. C., Meckling, W. (1976). "A Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure". **Journal of Financial Economics**, 3, 305-360.
32. Junxiong Fang., Lerong He., Shankar Shaw, T. (2018). "The Effect of External Auditors on Managerial Slack". **Accounting Horizons**, 32(4): 85-115
33. Kane, G D., Velury, U. (2004). "The role of institutional ownership in the market for auditing services: an empirical investigation". **Journal of Business Research**. 57(9):976-983.
34. Kim, O. (1993). "Disagreements among shareholders Over a Firm's Disclosure Policy". **Journal Finance**, 20: 747 -760.
35. Lu, T., Sapra, H. (2009). "Auditor conservatism and investment efficiency". **The Accounting Review**, 84(6): 1933-1958.
36. Pound, J. (1988). "Proxy contests and the efficiency of shareholder oversight". **Journal of Financial Economics** ,20: 237-265.
37. Velury, U., Jenkins, D.S. (2006). "Institutional Ownership and The Quality of Earnings". **Journal of Business Research**, 59: 1043-1051
38. Watts, R., Zimmerman, J. L. (1986). **Positive Accounting Theory**. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
39. Williamson, O. (1964). **The Economics of Discretionary Behavior: Managerial Objectives in a Theory of the Firm**. Englewood Cliffs, N. J. Prentice-Hall



Investigating the Impact of Institutional Ownership on the Relationship between Auditing Firm size and Managerial Slack in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

Amir Ghafourian Shagerdi (PhD)¹©

Assistant Professor, Accounting Department, Faculty of Administrative Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

Seyyed Mohammad Vaziri

MSc in Auditing, Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

Mohammad Sajjad Ghafourian Shagerdi

Assistant Professor, Accounting Department, Faculty of Administrative Sciences, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

(Received: 29 November 2021; Accepted: 16 May 2022)

Objective: This study investigating the impact of institutional ownership on the relationship between auditing firm size and managerial slack in companies listed on the Tehran Stock Exchange. **Methods:** This research is an experimental research in the field of positive accounting research, which is based on real information about the financial statements of companies listed on the Tehran Stock Exchange. In terms of the relationship between causal variables, this research is applied in terms of purpose and descriptive correlation in terms of method, in which the historical information of companies and statistical methods are used to confirm or reject the hypotheses. The statistic society population of this research, includes the firms listed in the tehran stock exchange as 120 companies operating in various industries over the years 2012 to 2021. The test assumptions of this study are generalized least squares (GLS) regression with and using the Eviews software. **Results:** According to the results of the mentioned test assumptions shows that: there is not significant relationship between auditing firm size and managerial slack. Also institutional ownership had not a significant impact on the relationship between firm size and managerial slack. **Conclusion:** Investors should pay attention to other factors that affect the managerial slack, such as the company of the leverage.

Keywords: Auditing Firm Size, Managerial Slack, Institutional Ownership, Tehran Stock Exchange.

¹ ghafourian@imamreza.ac.ir ©(Corresponding Author)